

• دریافت ۹۸/۰۶/۲۱

• تأیید ۹۸/۱۱/۱۳

زندگی و آثار علی محمد منشی و شیوه وی در تقلید گلستان سعدی

احمد بهنامی*

چکیده

تألیف آثاری به تقلید از گلستان سعدی، از همان روزگار نزدیک به تألیف این کتاب آغاز شد. یکی از آخرین آثار نوشته شده به تقلید از گلستان، شکرستان اثر علی محمد منشی متخلص به حکیم است که در گذشته، زندگی وی در هاله‌ای از ابهام قرار داشت و برخی از محققین درباره وی به حدس و گمان روی آورده بودند؛ اما آیا می‌توان با بررسی دقیق منابع عصر قاجار به زندگینامه و هویت واقعی علی محمد منشی دست یافت؟ علی محمد منشی در تقلید از سعدی تا چه اندازه موفق بوده است؟ در این مقاله ضمن بررسی تحقیقات پژوهشگران پیشین، با مراجعه به مستندات و منابع عصر قاجار و بررسی دقیق آن، زندگی علی محمد حکیم روشن شده است و در ادامه به بررسی سبک و محتوای کتاب شکرستان او و مقایسه آن با گلستان سعدی پرداخته شده است تا میزان پیروی وی از سبک سعدی روشن شود.

کلید واژه‌ها:

شکرستان، علی محمد حکیم، تقلید از گلستان، علی اکبر فیض، سعدی، نثر عصر قاجار.

* استادیار پژوهشی گروه فرهنگ نویسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ایران.

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسئله

در تاریخ ادبیات فارسی، ستارگان بلندقدری هستند که بر گرد آنان منظومه‌ای از مقلدان خُرد و متوسط در گردشند. یکی از سنت‌های آفرینشگری در ادبیات فارسی بر این پایه بوده است که هر چند گاه، شاعر و نویسنده‌ای بزرگ ظهور می‌کرده است که در فُرم و قالب و محتوا تحوُّلی ایجاد می‌کرده است و تا سالیان سال بلکه قرن‌ها بعد از آن، نویسندگان و گویندگان به تقلید از ظاهر و باطن کار وی می‌پرداخته‌اند. از این دسته معماران عالی‌قدر ادب فارسی که دیگران به تقلید از قصرهای بهشت‌آیین ساختهٔ آنان، به ساخت کوشک‌ها و قصرهای کوچک پرداخته و هریک از آنان به نسبت ناکام یا اندکی کامیاب بوده‌اند می‌توان حکیم فرزانه ابوالقاسم فردوسی، حکیم نظامی گنجوی و شیخ سعدی را نام برد. بعد از فردوسی شاعران بی‌شمار به منظوم‌ساختن حماسه‌های ملی در وزن متقارب پرداختند، سنت خمسه‌سرایی به تقلید از حکیم نظامی گنجوی آغاز شد و بسیار گسترش یافت که از موفق‌ترین این مقلدان می‌توان به امیرخسرو دهلوی و خواجوی کرمانی اشاره کرد و جز این چندین منظومهٔ خسرو و شیرین یا فرهاد و شیرین در همان وزن و شیوه‌ای که حکیم گنجه سروده بود در طی قرون به وجود آمد. تقلید از گلستان سعدی از همان روزگار نزدیک به زمان تألیف آن آغاز شد و ده‌ها اثر به تبع از سبک سعدی به‌وجود آمد که برخی از این آثار در شبه‌قاره و عثمانی به‌وجود آمدند. این سنت تا قرن‌ها بعد، یعنی تا اوایل سدهٔ چهاردهم هجری ادامه داشت. علی‌محمد منشی، متخلص به حکیم، از کسانی است که در دورهٔ ناصرالدین شاه و در سال ۱۲۹۰ ه.ق. به تألیف اثری با نام شکرستان به تقلید از گلستان دست زد. این اثر در سال ۱۳۹۲ شمسی در قم به چاپ رسیده است. زندگی و آثار علی‌محمد منشی، در حاله‌ای از ابهام قرار داشته است؛ در این مقاله به روشن کردن حوادث زندگی وی پرداخته شده است. همچنین سبک نگارش وی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی شده است تا با قیاس آن با گلستان، اندازهٔ پیروی وی از سعدی در تألیف شکرستان روشن شود.

۱-۲- پیشینهٔ تحقیق

از مشهورترین تقلیدهای گلستان، «بهارستان» جامی، «نگارستان» معینی جوینی و «روضهٔ خلد» و از تقلیدهای دورهٔ قاجار این اثر می‌توان «پریشان» قآنی، «سنبلستان» محمودمیرزا قاجار، «خارستان» علی‌اکبر فراهانی، «گنج شایگان» ریاض بروجردی (همدانی) و... را نام برد

که برخی از این آثار مکرر تصحیح شده و به چاپ رسیده است و برخی همچنان در گمنامی است و جا دارد تحقیقاتی بیش از این درباره این مقلدان سعدی و آثار آنها صورت پذیرد. تا کنون مقالاتی منفرد درباره برخی از این مقلدان و سبک آنان منتشر شده است از جمله می‌توان به مقالاتی نظیر «سایه گلستان در سنبلستان (معرفی کتاب سنبلستان شیخ شجاع گورانی)» (مهدی‌پور، ۱۳۷۷) و «انیس العاقلین ملا میرقاری گیلانی و نسخه‌های آن» (ابویی مهریزی، ۱۳۹۱) اشاره کرد. «احمد منزوی» در سال ۱۳۵۲ با انتشار سلسله مقالاتی با عنوان «تتبع در گلستان سعدی» در مجله «وحید» به احصای شمار قابل توجهی از این آثار تقلیدی دست زد. منزوی در شماره ۴ از مقالات «تتبع در گلستان سعدی» درباره علی‌محمد حکیم می‌نویسد: «آقای گلچین معانی درباره او می‌نویسد: از ادبا و سرایندگان روزگار قاجار بوده ولی تذکره‌نویسان از او یاد نکرده‌اند. او جز علی‌محمد حکیم برادر صفای اصفهانی است چه او تا پایان زندگی همسری نگزید و نگارنده ما در یکی از حکایت‌های شکرستان از زن و فرزند و تجدید فراش که کرده است سخن می‌گوید؛ و وی با اینکه معلم مشق یکی از شاهزادگان بوده میرزا علی‌محمد خطاط لواسانی نیز نمی‌تواند باشد زیرا که وی صفا تخلص می‌کرده و نگارنده مورد گفتگو حکیم تخلص داشته است؛ و از این روزگار است علی‌محمد حکیم که مولودیه فی حقیقه الولاده را به نام ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳) گویا به سال ۱۳۰۹ ق در پزشکی و قابلگی نگاشته است.» (منزوی، ۱۳۵۲: ۵۵۳) منزوی پیشتر نیز شبیه همین مطالب را در کتاب فهرست نسخه‌های خطی فارسی آورده است (منزوی، ۱۳۴۹: ۳۵۸۲). چنانکه مشاهده می‌شود گلچین معانی و به تبع وی احمد منزوی درباره هویت نویسنده کتاب شکرستان حدس‌هایی زده‌اند اما این حدس‌ها مقرون به صواب نیست. «ولی‌الله ظفری» نیز همین مطالب را مجدداً نقل کرده است (ظفری، ۱۳۷۲: ۳۹۲۳). در مقاله حاضر با بررسی مستندات، زندگی علی‌محمد منشی متخلص به حکیم، کاملاً روشن می‌شود و به دنبال آن تحلیلی از سبک و شیوه نویسندگی وی به دست داده می‌شود.

۲- خاندان و تبار و زندگی علی‌محمد منشی متخلص به حکیم

علی‌محمد منشی، متخلص به حکیم، فرزند میرزا محمد فرزند علی‌اکبر خوانساری، به سال ۱۲۵۸ ه.ق. در قم به دنیا آمد. جد وی علی‌اکبر خوانساری، شش دختر و دو پسر با نام‌های علی‌محمد قرقی و میرزا محمد داشت. علی‌محمد قرقی به واسطه صدای خوشی که داشت، مورد

توجه فتحعلی‌شاه قرار گرفت و همراه برادرش میرزا محمد به تهران آمد و به دربار راه یافت و به مدت یک سال حکومت کاشان را نیز برعهده داشت. خانه علی‌محمد قرقی و برادرش در تهران، عودلاجان، نزدیک حمام نوروزخان بوده است و در کن نیز باغ و عمارتی داشته‌اند. وی یک سال پس از درگذشت فتحعلی‌شاه، به سال ۱۲۵۱ ه.ق. به منصب تولیت آرامگاه فتحعلی‌شاه رسید؛ لذا به همراه برادرش میرزا محمد به قم رفت و در کوچه حرم ساکن گردید و دو قریه کهنک و بیدهند را به عنوان تیول به وی دادند که درآمد آن را به مصارف بقعه فتحعلی‌شاه و مخارج شخصی خود برساند. علی‌محمد قرقی در سال ۱۲۵۸ هجری قمری درگذشت و از خود دو دختر به جای گذاشت. برادرش میرزا محمد، به جای وی به تولیت بقعه فتحعلی‌شاه منصوب شد. بیوه علی‌محمد قرقی، به عنوان زن چهارم، به عقد میرزا محمد درآمد و همین زن، مادر علی‌محمد حکیم منشی است و در واقع نام عموی درگذشته علی‌محمد حکیم را که همسر نخست مادرش نیز بوده است، بر وی نهادند. (فیض قمی، ۱۳۸۳: ۱۵۷-۱۷۶)

برادر ارشد و پدری علی‌محمد حکیم، با نام علی‌اکبر فیض قمی (۱۲۴۵-۱۳۱۷ ه.ق.)، شاعر و نویسنده‌ای نامبردار گشت و از او چند اثر به جای مانده است، از جمله *دیوان اشعار*، ترجمه فارسی *لهوف*، *رساله‌ای در علم قافیه*، *رساله‌ای در شرح ابیات مشکک دیوان انوری*، *تذکره شمعرای معاصر دارالایمان قم*، و *چند جنگ*. خوشبختانه علی‌اکبر فیض در سال ۱۲۹۳ ه.ق. با نوشتن رساله‌ای که با عنوان *خاندان فیض قمی* منتشر شده است، اطلاعات فراوانی درباره خاندان خود از جمله برادرش علی‌محمد حکیم به دست داده است. علی‌اکبر فیض بعد از درگذشت پدرشان، در سال ۱۲۸۸ ه.ق. جانشین وی شد و تولیت مقبره فتحعلی‌شاه را برعهده گرفت و برادرش علی‌محمد حکیم را به نیابت خود انتخاب کرد. این مناصب تا سال ۱۳۰۵ ه.ق. در خاندان آنان باقی ماند. از اخلاف علی‌اکبر فیض، پسرش آیت‌الله محمد فیض قمی (درگذشته ۱۳۲۹ شمسی) فقیه شهیر و نوه‌اش دکتر علی‌رضا فیض (تولد ۱۳۰۴ شمسی) استاد ممتاز دانشگاه تهران، شناخته شده‌اند (نک: گرنی و صفت گل، ۱۳۹۰: ۳۱-۳۸).

علی‌محمد حکیم به واسطه روابط خانوادگی‌اش، توانست در زمان حیات پدرش با شاهزاده‌خانمی که دختر صاحبقران میرزا پسر فتحعلی‌شاه بود ازدواج کند. تعداد فرزندان وی دانسته نیست اما نام سه تن از آنان، پسری به نام محمد و دو دختر با نام‌های خانم شاهزاده و بی‌بی شاهزاده ضبط شده است. فرزند ارشد علی‌محمد حکیم منشی، خانم شاهزاده بوده است که به همسری آقا حسین فرزند آقا سیدرضای ایل‌بیگی درآمد است (فیض قمی، ۱۳۸۳: ۱۷۴).

علی‌محمد حکیم منشی بنا به شهادت ترقیمه نسخه کاخ گلستان کتاب شکرستان، «پاسبان مقبره شعاع السلطنه» نیز بوده است. همچنین سالیان دراز در دستگاه حکومت اعتضادالدوله میرزا مهدی خان، حاکم قم و ساوه، منشی اول بوده است. وی در خطاطی، شاگرد حاجی رشیدخان اخگر بیگدلی، نوه آذر بیگدلی شاعر مشهور بود و در خط و نقاشی به گفته برادرش علی‌اکبر فیض، از سرآمدان قم به‌شمار می‌رفت و در علم و ادب نیز شاگرد شیخ حسن از شاگردان شیخ مرتضی انصاری شوشتری بود (فیض قمی، ۱۳۹۳: ۱۹۷-۲۰۰). آخرین اطلاعی که از علی‌محمد حکیم منشی در دست داریم، این است که در سال ۱۳۱۷ ه.ق. زنده بوده و علیرغم ضعفی که در بینایی‌اش به وجود آمده بود، همچنان به نگارش و منشی‌گری مشغول بوده است، به‌گونه‌ای که افضل‌الملک شیرازی درباره وی می‌نویسد:

«میرزا علی‌اکبر مذکور را برادری است میرزا علی‌محمد نام که از اهل خط و انشاء است. واقعاً در انشاء دیوانیات و تحریرات حوزه حکومتی ماهر است خط را به شیوه جدید تحریر کند و شیرین نگارد. در عهد مرحوم محمد مهدی خان اعتضادالدوله حمران قم و کاشان منشی اول بوده است و این اوقات هم در دستگاه حکومتی قم مشغول انشاء است لکن در چشم او فتوری پیدا شده است. در قم جز او دیگر کسی منشی هنرمند نیست مگر آن که از تهران منشی در اینجا باشد که او هم هنرمندی نماید.» (افضل‌الملک، ۱۳۹۶: ۱۱۷)

وی صاحب اشعاری بوده است اما متأسفانه اکنون دیوان کامل وی در دست نیست یا اگر هست به رؤیت نویسنده این مقاله نرسیده است، به هر حال در فهرست‌های نسخ خطی و چاپی اثری از دیوان علی‌محمد حکیم دیده نمی‌شود؛ اما در حدود پانصد بیت از اشعار وی در کتاب تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم (فیض قمی، ۱۳۹۳: ۱۹۹-۲۲۶) و نیز ابیاتی دیگر از وی در رساله خاندان فیض قمی نقل شده است که ابیاتی از قصیده وی را که در رساله اخیر مندرج است در اینجا نقل می‌شود. ابیات بعضی در نسخه چاپی به تصحیح آقای میرمحمد موسوی دارای ایراداتی بود که توسط نگارنده این سطور تصحیح شد:

شکسته سنبل تو ای بدیع لعبت چین	ز لاله دارد بستر، ز ارغوان بالین
دو چنبر است و دو حلقه دو سلسله دو کمند	همه ز مشک تثار و همه [ز] نافه چین
مرا بسی عجب آمد همی ز تو به دو چیز	یکی دو زلف تو دزد است و دزد را به یقین
برید باید دست و تواش ببری سر	بسی شگفت بود از تو این خلاف مبین
دگر سه بار به هر مه سر ورا ببری	به ماه دیگر برناتر است از پیشین...

بیا به لاله او خرمن بنفشه نگر
 کسی ندیده آبَر ماه عنبرین حلقه
 قد تو سروی کو را ز اختر آمد بر
 همی‌نماید گویند ماه در شب سیر
 شبی است موی تو کو راست سیر اندر ماه
 همی به مینو گویند می‌نیاید شب
 مگر نه موی تو در روی تو به یکدیگر
 بیا به چهره او سنبل دمیده بین
 کسی ندیده آبَر سرو اختر سیمین
 رخ تو ماهی کو را ز عنبر است آرزین
 دگر به زین نکند ماه جای و نیست چنین
 مهی است روی تو کو راست جای اندر زین
 مرا نباشد هرگز بدین سخن تمکین
 یکی شب سیه است و یکی بهشت برین...

۳- درباره کتاب شکرستان

شکرستان را علی‌محمد حکیم نخستین بار در ۱۲۹۰ و به قصد انبساط خاطر میرزا مهدی خان اعتضادالدوله، حاکم قم و ساوه، به نگارش درآورده است و مندرجات سه نسخه قدیمی‌تر این کتاب یعنی نسخه‌های اساس چاپ این کتاب، نسخه کتابخانه ملی و نسخه کاخ گلستان، مؤید این نظر است و اینکه مرحوم مغفور استاد/احمد منزوی شکرستان را «برای میرزا علی‌اصغر امین السلطان» (منزوی، ۱۳۴۹: ۲۵۸۲) دانسته است، صحیح نیست. استاد/احمد منزوی این سخن را بر اساس نسخه قد ؟ گفته است اما این نسخه چنان که خواهیم گفت، اولاً مورخ بعد از ۱۳۰۵ ه.ق. است و لذا حدود ۱۵ سال پس از سه نسخه پیشین کتابت شده است و ثانیاً تفاوت‌های بسیار اساسی با نسخ دیگر دارد؛ اما اعتضادالدوله میرزا مهدی خان که ممدوح علی‌محمد حکیم است و حکیم شکرستان را به نام وی کرده است، پسر بزرگ میرزا محمد خان سپهسالار اعظم و شوهر فخرالملوک دختر بزرگ ناصرالدین شاه بوده است. در سال ۱۲۷۵ ه.ق. منصب کشیکچی‌باشی‌گری از سوی پدرش به وی مفوض شد و اعتضادالدوله در سال ۱۲۸۲ ه.ق. این منصب را به پسر چهارساله خود میرزا محمد واگذار کرد اما مجدداً در سال ۱۲۸۳ ه.ق. خود این منصب را بر عهده گرفت و تا ۱۲۸۴ ه.ق. که کیومرث‌میرزا ملک‌آرا به کشیکچی‌باشی‌گری رسید، عهده‌دار این منصب بود. بار دیگر اعتضادالدوله در ۱۲۸۵ ه.ق. به این شغل رسید. در سال ۱۲۸۸ ه.ق. ملقب به اعتضادالدوله شد و به ایلخانی‌گری ایل قاجار رسید. وی مدتی حاکم ساوه و زرنده و مدت‌ها حاکم قم و گاهی نیز حاکم کاشان بوده است. در سال ۱۳۰۳ ه.ق. حکومت هر چهار جا را داشت و در سال ۱۳۰۴ ه.ق. از حکومت معزول شده به تهران آمد. در اواسط سال ۱۳۰۵ ه.ق. مجدداً حاکم قم و ساوه گشت و در ۱۳۰۶ ه.ق. حاکم کاشان شد و تا سال ۱۳۰۷

ه.ق. حکومتش در آنجا ادامه داشت. اعتضادالدوله در صفر سال ۱۳۰۷ ه.ق. درگذشت و به جای وی پسر دوش عباس میرزا که ملقب به نایب‌الایاله بود حکومت قم منصوب شد و در اواخر سال ۱۳۰۹ ه.ق. ملقب به نام پدرش اعتضادالدوله شد (بامداد، ۱۳۴۷: ۱۰-۱۲).

۳-۱- نسخه‌های خطی شکرستان

علی‌محمد حکیم منشی در دیباجه شکرستان ادعا کرده است که این کتاب را در چهار جزو نگاشته است؛ اما در نسخ موجود که بعضی از آنها به خط خود علی‌محمد حکیم است، اثری از این «جزو» ها به چشم نمی‌خورد. از آنجا که خود خوشنویسی زبردست بوده است، چند نسخه از این کتاب به خط خود وی است. کتاب شکرستان در واقع مجموعه‌ای از حکایات مختلف است که اکثر آن‌ها ساخته و پرداخته شخص علی‌محمد حکیم است و در این میان اقتباساتی از هزارو یک شب و تاریخ بیهقی و برخی منابع دیگر نیز کرده است؛ برای مثال حکایت «در سیر حمیده خسروان باستان و شرح محامد عدل و انصاف» (منشی، ۱۳۹۲: ۱۳۱-۱۳۴) در واقع تلخیص و بازنویسی یکی از داستان‌های تاریخ بیهقی است (نک: بیهقی، ۱۳۸۵: ۱۵۰-۱۶۱).

هیچکدام از نسخه‌های کتاب شکرستان با یکدیگر مشابهت تام و تمام ندارند و تفاوت میان برخی از این نسخه‌ها بسیار است. به نظر می‌رسد علی‌محمد حکیم، هر چند وقت یکبار، تحریری نوین از شکرستان به وجود می‌آورده است و شاید به تناسب افرادی که نسخه شکرستان را به آنها تقدیم می‌داشته، برخی از حکایات را تغییر می‌داده یا برخی حکایات را حذف می‌کرده است و حکایات دیگری به «شکرستان» می‌افزوده است. این نکته در نسخه کاخ گلستان که آن را در ۱۲۹۲ هجری قمری به خط خود نوشته و به مظفرالدین میرزا ولیعهد (مظفرالدین شاه بعدی) تقدیم کرده است و نیز در نسخه آستان قدس رضوی که در ۱۳۰۵ هجری قمری و به امین‌السلطان (علی‌اصغر خان اتابک) تقدیم داشته است به‌خوبی مشهود است.

از کتاب شکرستان نه نسخه خطی در دست است که سه نسخه از قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی این کتاب دارای چنین مشخصاتی است:

الف) نسخه شماره ۴۷۳ کتابخانه ملی ایران. خط شکسته نستعلیق تحریری. ۶۳ صفحه ۱۰ سطری. تاریخ کتابت دوازدهم شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۹۰. در صفحه نخست مهر و نشان کتابخانه دولت علیه ایران را دارد. این نسخه دارای دیباجه و خاتمه و ۲۰ حکایت است. در ابتدا یادداشتی دارد به این صورت: «رساله‌ایست که این برآورده دولت قویم و پرورده نعمت قدیم

علی‌محمد متخلص به حکیم برای انبساط خاطر و مسرت طبع در یادخایر خواجه بزرگ و خداوند سترگ شرف دودمان قاجار مفخر خوانین نامدار چرخ فضایل و مربی افاضل سرمایه اصل و نسب و مروج معالی و ادب ضیاء المله و قوام الدوران جناب جلالتمآب اجل اکرم اعظم اعتضادالدوله ایده الله بالفتح و النصره بر حسب امر عالی برنگاشته و مشتمل بر نوزده حکایت و یک دیباچه و یک خاتمه و این جمله در چهار جزو مرتب است به تاریخ شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۹۰». به احتمال زیاد این نسخه به خط شخص علی‌محمد حکیم است.

ب) نسخه شماره ۴۱۷ کتابخانه ملی ایران. خط شکسته نستعلیق تحریری. ۵۱ صفحه، هر صفحه دارای ۱۰ سطر. تاریخ کتابت ندارد. به احتمال زیاد در همان سال ۱۲۹۰ و به فاصله نه‌یشتاد و پنج ماه از نسخه «الف» روایت این نسخه بسیار به نسخه الف شبیه و از این نظر در بین نسخه‌های شکرستان بی‌نظیر است. در این نسخه نیز شکرستان به نام اعتضادالدوله است. ۱۸ حکایت دارد که تمامی آنها در نسخه الف نیز آمده است و تحریر آن به دلایلی نامعلوم ناقص مانده است.

ج) نسخه شماره ۲۱۹۹ کاخ گلستان. شامل ۳۱ حکایت که یکی از آنها مکرر است. خط تحریری. ۱۶۶ صفحه، هر صفحه ۸ یا ۹ سطر. دارای سه مجلس نقاشی به سبک قاجار که شاید از خود علی‌محمد حکیم باشد. در این نسخه نیز به مانند دو نسخه پیشین، کتاب شکرستان به نام اعتضادالدوله است. به خط خود علی‌محمد حکیم و برای تقدیم به مظفرالدین میرزا ولیعهد تحریر شده است. تاریخ تقدیم ربیع الثانی ۱۲۹۳.

۲-۳-چهره علی‌محمد حکیم در شکرستان و روابط وی با معاصرانش

۱-۲-۳- مطالبی که علی‌محمد منشی متخلص به حکیم درباره خود اظهار کرده است و علی‌محمد حکیم، برخلاف برادرش که در آثار خود بسیار به خانواده خود اشاره کرده است و زندگی اعضای خاندان خود را به تفصیل بیان کرده است، به صراحت از هیچ‌یک از اعضای خاندان خود نامی نبرده است و همین یکی از عوامل مبهم ماندن اصل و نسب و زندگی وی در گذشته بوده است. وی در شکرستان خطاطی است که آموزگاری شاهزاده‌ای را برعهده داشته است (منشی، ۱۳۹۲: ۵۸)، ادعا می‌کند به اصرار پدرش ازدواج کرده و چند سال بعد تجدید فراش کرده است (همان: ۱۰۵-۱۱۳)، در طبابت و علاج بیماران معلوماتی دارد (همان: ۱۱۳-۱۱۵)، با تقلید کورکورانه از اروپاییان مخالف است (همان: ۱۷۳-۱۷۴)، به پامردی منشی

حضور، یعنی علی‌خان امین‌الدوله، به حضور ناصرالدین شاه رسیده و قصیده‌ای در مدح وی خوانده است. در سال فتح هرات یعنی سال ۱۲۷۳ ه.ق. در تهران حضور داشته است (همان: ۱۳۴). البته چنانکه در ادامه خواهد آمد نوع ادبی «شکرستان» به مانند «گلستان»، مقامه است و قهرمان کتاب شکرستان و راوی آن، شخص علی‌محمد منشی است که با خیال‌پردازی و زبان‌آوری این حکایات را برساخته است لذا بسیاری از وقایع درج شده در شکرستان ظاهراً واقعی نیستند.

۳-۲-۲- روابط علی‌محمد حکیم با معاصرانش از خلال کتاب شکرستان

علی‌محمد حکیم در کتاب خود شکرستان از برخی از معاصرین خود نام برده است که برخی از آنان شناخته‌شده نیستند؛ اما برخی دیگر را می‌توان شناسایی کرد.

میرزا مهدی‌خان اعتضادالدوله

که حکیم کتاب خود شکرستان را به نام وی ساخته است (منشی، ۱۳۹۲: ۴۶) و چنانکه پیش از این گفتیم حکیم سال‌ها به خدمت وی به عنوان منشی اول مشغول بوده است.

ابوالفتح میرزا مؤیدالدوله

حکیم در شکرستان حکایتی درباره «نکویی و مردمیت و اخلاق ستوده یکی از ملکزادگان» (منشی، ۱۳۹۲: ۶۳-۶۷) آورده است و خود را همدم و دوست وی خوانده است که تضریب دشمنان نتوانسته است رابطه این دو تن را به هم بزند (همان: ۶۳-۶۴) و در پایان و در قطعه‌ای دوبیتی، آن ملک‌زاده را «ابوالفتح میرزا» معرفی کرده است (همان: ۶۷). با بررسی رجال قاجار که نام ابوالفتح میرزا داشته‌اند درمی‌یابیم یکی از آنان معاصر علی‌محمد حکیم بوده است و آن، *ابوالفتح میرزا مؤیدالدوله*، پسر سلطان مراد میرزا احسام‌السلطنه و داماد ناصرالدین شاه و شوهر *افسرالدوله* بوده است. وی در ۱۲۸۷ ه.ق. حاکم یزد و در ۱۲۸۸ ه.ق. حاکم اصفهان و در ۱۲۹۳ ه.ق. به نیابت از پدرش حاکم کردستان شد و تا ۱۲۹۹ ه.ق. در این منصب بود و در سال ۱۲۹۸ ه.ق. ملقب به مؤیدالدوله شد. وی مدت‌ها حاکم زنجان و گیلان بود و در شعبان ۱۳۱۰ ه.ق. به حکومت خراسان منصوب شد. در سال ۱۳۲۵ ه.ق. حاکم فارس شد و در سال ۱۳۳۰ ه.ق. درگذشت و در قم در مقبره محمدشاه مدفون شد. وی را به دانشمندی وصف کرده‌اند (بامداد،

۱۳۴۷: ۵۱-۵۳).

علی خان امین‌الدوله

یکی از حکایات کوتاه شکرستان را به توصیف فضایل علی خان امین‌الدوله اختصاص داده است و گفته است که به پایمردی وی، به هنگام سفر ناصرالدین شاه به قم، به حضور ناصرالدین شاه رسیده است و قصیده خود را برای وی خوانده است. البته تألیف این حکایت مربوط به زمانی است که علی خان، لقب منشی حضور داشته و هنوز به لقب امین‌الملک و امین‌الدوله ملقب نشده بود.

میرزا علی خان امین‌الدوله (۱۲۶۰-۱۳۲۲ ه.ق.)، فرزند محمد خان سینگى مجدالملک بود. بسیار کم‌سال بود که به خدمت وزارت رسائل رسید و در سن ۱۵ سالگی به همراه پدرش، به مأموریتی به عثمانی (بغداد) رفت. در سال ۱۲۷۸ ه.ق. ناصرالدین شاه دستور داد که به‌علت خط خوش، در سفر و حضر ملتزم خدمت باشد. یک سال بعد به نیابت اول وزارت خارجه رسید. از ۱۲۸۳ تا ۱۲۹۰ ه.ق. لقب «منشی حضور» داشت. در ۱۲۸۸ ه.ق. چاپارخانه‌های دولتی (پست) به وی سپرده شد. در ۱۲۹۰ ه.ق. لقب امین‌الملک و در ۱۲۹۹ ه.ق. لقب امین‌الدوله یافت. در سال ۱۳۱۵ ه.ق. به صدارت عظمای مظفرالدین‌شاه رسید و در ۱۳۱۶ ه.ق. از این سمت عزل شد (بامداد، ۱۳۴۷: ۳۵۴-۳۵۶). ملک‌الشعراء بهار امین‌الدوله را از جمله اصلاح‌طلبان و پیشروان تجدد و آزادی می‌داند. امین‌الدوله در ایجاد رسم‌الخط جدید (شکسته‌نستعلیق) و طرز ساده‌نویسی از سرآمدان زمان خود بوده است (لغتنامه دهخدا، ذیل امین‌الدوله).

امین‌السلطان

حکیم، حدود ۱۵ سال بعد از تألیف اولیه شکرستان، در سال ۱۳۰۵ ه.ق. نسخه‌ای دیگر از آن ترتیب داده که اینک به شماره ۴۸۷۳ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. وی در این نسخه حکایت مربوط به علی خان امین‌الدوله را که در بالا به آن اشاره شد، تغییر داده و آن را به نام امین‌السلطان (علی اصغر خان) کرده است. این امر، با توجه به دشمنی فراوان میان امین‌السلطان و امین‌الدوله بسیار حائز اهمیت است و نشان می‌دهد که علی‌محمد منشی نیز به تناسب قدرت گرفتن برخی از افراد به آنان مایل می‌شده است و سعی می‌کرده با اقداماتی نظیر گنجاندن مدح امین‌السلطان در آثارش و حذف نام رقیب وی یعنی امین‌الدوله، برای خود

محبوبیت و موقعیت بخرد (منشی، ۱۳۹۲: ۸۰).

میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم امین‌السلطان (۱۲۷۴-۱۳۲۵ ه.ق.) صدراعظم مشهور دوره قاجار است که به سرسپردگی به روسیه و انگلیس شهرت داشت و عاقبت به وسیله مشروطه‌خواهان ترور شد. وی صدراعظمی ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه و محمدعلی‌شاه را برعهده داشت.

دیگر اشخاص ناشناس

آقا مصطفی تاجر یزدی که حکیم او را به دلیل امساکش نکوهش کرده است (منشی، ۱۳۹۲: ۸۵-۸۹)، میرزا سه‌ای شاعر که حکیم وی را به پستی طبع وصف کرده است (همان: ۱۴۲)، میرزا آقاخان پسر میرزا حبیب‌الله قمی (همان: ۱۶۱).

۳-۳- سبک کتاب نکرستان و مقایسه آن با گلستان سعدی

«محمدتقی بهار» نوع ادبی «گلستان» را مقامه دانسته است (بهار، ۱۳۸۹: ۱۲۷). پیش از او نیز، «عبدالعظیم قریب» چنین نظری داشته است (متینی، ۱۳۶۴: ۷۰۹) و همچنین «محمد معین» و «حسین خطیبی» نیز گلستان را «مقامات» دانسته‌اند (همان: ۷۱۱). و مقامه «عبارت است از قصه‌هایی کوتاه و مستقل که نویسنده در تمام آنها راوی معین و شخص مشخص واحدی را در حالات گوناگون توصیف می‌کند بدین ترتیب که نویسنده در همه قصه‌های خود ماجراهای گوناگونی را به شخصی موهوم و مفروض ولی با نام معین نسبت می‌دهد که این شخص نقش قهرمان قصه‌های مختلف او را به عهده دارد» (همان: ۷۱۳). در مقامات، معمولاً یک راوی و یک قهرمان حضور دارند و در گلستان سعدی در بسیاری از حکایات، این راوی و قهرمان یکی است؛ یعنی خود سعدی. علی‌محمد منشی، متخلص به حکیم، به‌خوبی به این راز **گلستان سعدی** آگاه بوده است، رازی که بسیاری دیگر از مقلدین سعدی آن را درنیافته‌اند؛ برای مثال، اگر مشهورترین تقلید گلستان، «بهارستان» جامی را بررسی کنیم، درمی‌یابیم که به قصد پیروی از سعدی، نام کتاب خود را «بهارستان» گذاشته و آن را به مانند گلستان به هشت بخش (روضه) تقسیم کرده است؛ اما بهارستان وی جز مجموعه‌ای از حکایات پیشینیان و شرح حال شعرا و... نیست به‌گونه‌ای که هیچ قهرمان ثابتی در حکایات آن دیده نمی‌شود، چه رسد به اینکه قهرمان یا راوی خود عبدالرحمن جامی باشد (نک: جامی، ۱۳۷۱: ۲۴-۱۲۲)؛ اما علی‌محمد

حکیم در شکرستان به پیروی دقیق از گلستان سعدی پرداخته و ضمن آوردن حکایاتی مربوط به پیشینیان، در بسیاری از حکایات خود به عنوان راوی یا قهرمان حضور دارد و همین امر موجب شده است ساختار کتاب وی، بیشتر از آنچه بهارستان جامی است، یادآور ساختار گلستان سعدی باشد.

در ادامه بخشی از خصایص سبکی شکرستان در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی و با گلستان سعدی مقایسه می‌شود.

۳-۱-۳- مختصات زبانی

حذف افعال به قرینه

علی‌محمد حکیم در شکرستان در زمینه حذف افعال به قرینه لفظی، به راه گلستان رفته است. به گفته بهار «حذف افعال به قرینه از قرن ششم معمول بوده لیکن رسم جاری بر آن بوده است که فعل را در جمله نخستین اثبات کنند و در دیگر جمله‌ها حذف و سعدی هم بر این سنت جاری رفته است» (بهار، ۱۳۸۹: ۱۳۶). اینک نمونه‌هایی از کتاب شکرستان:

«از شکرستان حکمتش هر کس را نعمتی بی‌منت است و قسمتی بی‌ظنت» (منشی، ۱۳۹۲: ۴۱)، «به زهد و مکارم اخلاق ستوده آفاق بود و فواید اقبالش متضمن حکمت اشراق» (همان: ۵۰)، «باب عنایت فراز دیدم و در رحمت باز» (همان: ۵۷)، «قدی موزون تر از نخل باسق داشت و دهانی تنگ تر از دل عاشق» (همان: ۵۹)، «از صحبتش ممنوع بودم و به خیالی ازو قانع» (همان: ۶۰)، «خلاف حکمت است و کمال نعمت» (همان: ۶۱)، «هم شمع بزم بود و هم مرد رزم» (همان: ۶۳)، «خردمند و عاقل بود و دوستدار افاضل» (همان: ۶۴)، «ناهدی در نقاب بود و خورشیدی در حجاب» (همان: ۷۰)، «دیناری در کار نداشت و مقداری در انبار» (همان: ۷۹).

لغات عربی

علی‌محمد منشی در این امر در قیاس با گلستان سعدی راه افراط پیموده است به گونه‌ای که لغات دشخوار عربی فراوانی به این کتاب راه یافته است و چند نمونه ذکر می‌شود. در معنی کردن این لغات از فرهنگ معاصر عربی-فارسی تألیف «آذرتاش آذرنوش» و لغتنامه دهخدا استفاده شده است: موشح (زینت داده و آراسته) (همان: ۱۹۰)، تنمیق (نیکو نوشتن کتاب را و آراستن به کتابت) (همان: ۱۹۱)، شَبَق (شهوته‌رانی شهوت‌پرستی) (همان: ۱۹۲)، نعمت (آزار و عقوبت و

شکنجه (همان: ۱۹۴)، افاقت (به هوش آمدن)، اراقت (ریختن مایع)، تدمیر (هلاک کردن) (همان: ۱۹۴)، مضاجعت (هم‌بستر شدن)، ضجیع (هم‌بستر) (همان: ۲۰۴)، ضراعت (خواری، پستی) (همان: ۲۰۷).

تقلیدهای دیگر از اسلوب جمله‌های گلستان

در این بخش به ذکر نمونه‌هایی از گلستان سعدی و شکرستان علی محمد حکیم پرداخته می‌شود: گلستان: «به حکم آنکه ملاذی منبع از قلّه کوهی به دست آورده بودند.» (سعدی، ۱۳۸۷: ۶۰)، «به حکم آنکه هر آن دشمنی که با وی احسان کنی دوست گردد» (همان: ۱۶۲). شکرستان: «به حکم آنکه شنیده بودم» (منشی، ۱۳۹۲: ۶۰)، «به حکم آنکه خردمند و عاقل بود و دوستدارِ افاضل» (همان: ۶۴).

گلستان: «گفتم سبحان الله! دورانِ باخبر در حضور و نزدیکان بی‌بصر دور» (سعدی، ۱۳۸۷: ۹۰)، «گفت سبحان الله! با هزار پای که داشت چون اجلس فرارسید از بی دست و پایی نتوانست گریخت» (همان: ۱۱۹).

شکرستان: «گفتم: سبحان الله! غایتِ جهلش بین و خفتِ عقل» (منشی، ۱۳۹۲: ۱۱۸). گلستان: «چندین سخن که بگفتی در ترازوی عقل من وزن آن سخن ندارد...» (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۳۷).

شکرستان: «این جمله که گفتمی در ترازوی خیال من آن وزن ندارد که...» (منشی، ۱۳۹۲: ۸۷).

۳-۲-مختصات ادبی

روش تسجیع در سطح کلام

استفاده از انواع روش‌های تسجیع، مهم‌ترین و چشم‌گیرترین ویژگی ادبی شکرستان است (برای روش‌های تسجیع در سطح کلام نک: شمیسا، ۱۳۸۶: ۴۰). به گفته محمدتقی بهار، سعدی «اسجاع را در مزدوجات می‌آورد و آن از دو سجع تجاوز نمی‌کند چون نانی به جانی... و گاهی هم که به قرینه‌سازی می‌پردازد سجع از دو تا سه بیش معمول او نیست و گاهی تا چهار سجع می‌آورد» (بهار، ۱۳۸۹: ۱۴۵). نمونه‌هایی از اینگونه قرینه‌سازی‌ها و سجع‌ها در شکرستان:

«شکرستان دُرّجی است از ذرّاری شاهوار و برجی است از کواکبِ تابدار» (منشی، ۱۳۹۲: ۴۰)، «سلاطه خواقین عظام و نقاوه خوانین باحتشام» (همان: ۴۶)، «دایره تقوایش چون حوزه تدریس وسیع و مایه تحقیقش چون پایه تنمیق رفیع» (همان: ۵۰)، «پای گریز باید نه دست ستیز»

(همان: ۵۴)، «بر خلافم تحمل نمود و در هلاکم تأمل فرمود» (همان: ۵۷)، «باب عنایت باز دیدم و در رحمت باز» (همان)، «منشی حضور را با حقیر سابقه عنایتی بود و نظر محبتی» (همان: ۸۱)، «انیس جلوتم و رفیق خلوت» (همان: ۸۶)، «گنج مقصودم در بر بود و کنج فراغت میسر» (همان: ۹۵) و «اسیر حاجات نبودم و دستگیر اخراجات» (همان: ۱۰۵).

رعایت آهنگ کلمات

بهار درباره رعایت آهنگ کلمات در گلستان گفته است: «آهنگ ترکیبات طوری است که غالباً و احياناً با پس و پیش کردن بعض کلمات و افعال، مصراع‌های تمام از کار بیرون می‌آید» (بهار، ۱۳۸۹: ۱۲۸). سپس با آوردن حکایتی از گلستان، کلمات موزون آن را چنین برشمرده است: «به کشتی در نشسته؛ زورقی... در پی ما غرق شد؛ به گردابی در افتادند؛ از بزرگان گفت ملاح؛ بگیر این هر دوان را؛ هر یکی پنجاه دینارت دهم؛ ملاح در آب افتاد؛ تا یکی را برهانید...؛ گفتم... بقیّت عمرش نمانده بود؛ ... ملاح بخندید و گفت؛ میل خاطر به رهانیدن این بیشتر...؛ او مرا بر شتری نشانده.» (همان: ۱۲۹). توضیح اینکه «در این شواهد تا آخر هر جا نقطه گذاشته شده است علامت آن است که با افزودن یک یا دو حرف یا کلمه‌ای، مصراعی تمام می‌شود یا به کم کردن، از قبیل زورقی اندر پی ما غرق شد؛ یا: به گردابی در افتادند با هم؛ یا: تا یکی را برهانید به جهد؛ یا گفتم مگر بقیّت عمرش نمانده بود الی آخر» (همان).

این ویژگی در شکرستان علی‌محمد منشی متخلص به حکیم، به روشنی هویداست و به نظر می‌رسد او با دقت در سبک گلستان، این نکته را دریافته و از آن به وسعت در نگارش شکرستان بهره برده است، به گونه‌ای که بسیاری از جملات شکرستان دارای وزن عروضی است یا اینکه با کاستن و افزودن یک حرف یا کلمه‌ای، مصراعی کامل از آن به دست می‌آید که نمونه‌های زیر شاهد این مسئله است. در این شواهد، علامت ({}) نشان‌دهنده این است که با فرض افزودن چنین حرف یا کلمه‌ای، کلام موزون می‌شود و علامت ([]) نشان‌دهنده این است که با کاستن حرف، کلام موزون خواهد بود:

«شکر و من {} {} ت خداوندی را» (منشی، ۱۳۹۲: ۴۱) فاعلاتن فعلاتن فعلن، «خلقت انسان را خلعت امکان داد» (همان: ۴۲) فاعلاتن فعلن فاعلاتن فعلن، «حلاوت توحید {} است {} و لذت تسبیح» (همان) مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن، «درود و آفرین بر آن روانان» (همان: ۴۴) مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن، «جمشید جوان خورشید شهبان» (همان: ۴۵) فعلن فعلن فعلن فعلن، «روشنی دیده مجد» (همان: ۴۶) مفتعلن مفتعلن، «قطب گردون شهامت» (همان) فاعلاتن

فعلاتن، «پیرزنی مظلومه پیش ملک...» (همان: ۴۸) مفتعلن مفتعلن فاعلن، «یکی از هزار است و مشتى [] ز خروار» (همان: ۵۸) فعولن فعولن فعولن، «ملکزاده‌ای را به تعلیمِ خط» (همان) فعولن فعولن فعولن فعل، «حکایتی گفتند و سعایت {ی} کردند» (همان: ۵۹) مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن، «اجامرِ اوباشِ قراول و فرآش» (همان: ۶۰) مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن، «به گاهِ چالشِ او { با دلِ تهمتن بود» (همان: ۶۳) مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن.

تناسب نظم و نثر

بهار دربارهٔ مراعات تناسب نظم و نثر در گلستان می‌گوید: «لطف اشعار او گذشته از خوبی خود شعر این است که در هر مورد از دو الی سه بیت بیشتر نیاورده مگر آنکه بعد از قطعهٔ فارسی بیتی تازی نهاده و بعد از بیت تازی باز قطعهٔ فارسی جای داده و مانند خط و خال و غازه و سومه و جعد و طره صورت هر حکایت را به نثر و نظم چنان آراسته است که هیچ یک نپذیرد ز یکدیگر نقصان» (بهار، ۱۳۸۹: ۱۲۸). در گلستان بیش از هزار بیت فارسی آمده است و ابیات فارسی شکرستان که حجمی بسیار کمتر از گلستان دارد، بیش از دوپست بیت است؛ بنابراین تناسب میان نظم و نثر در شکرستان تقریباً به اندازهٔ گلستان رعایت شده است جز اینکه تنوع کاربرد ابیات در شکرستان کمتر از گلستان است. نیز در شکرستان در حدود ۲۹٪ از ابیات فارسی، دارای وزن رباعی است.

۳-۳-۳- مختصات فکری

تأکید بر ارزش‌های اخلاقی

علی‌محمد منشی بر ارزش‌هایی نظیر «رسیدگی به حال مظلومان» (منشی، ۱۳۹۲: ۴۸-۵۰)، «سختی و بخشندگی»، «عدل و انصاف»، «ادب نگاه‌داشتن» (همان: ۱۶۵)، «یاری بی‌نویان» (همان: ۶۳-۶۷)، «رشوه‌نگرفتن و خودداری از تبذیر و اسراف» (همان: ۸۹-۹۴)، «شجاعت» (همان: ۱۱۶-۱۱۷) و... تأکید دارد و به همین دلیل به آیات و روایات بسیاری استشهاد می‌کند (همان: ۲۳).

هزل و هجو و طنز

در شکرستان حکایات هجوآمیزی می‌توان یافت از جمله «حکایت سی‌ام» از نسخهٔ چاپی این کتاب و نیز «حکایت ۲۵م» از همین کتاب که در هجو «میرزا سه‌های شاعر» است که البته

روشن نشد کدام میرزا سها مورد نظر علی‌محمد منشی بوده است. نیز برخی از حکایات هزل‌آمیز در شکرستان یافته می‌شود نظیر حکایت‌های «۲، ۴، ۷، ۹، ۱۵، ۱۶ و...» در نسخه چاپی شکرستان. برخی از حکایت‌های شکرستان نیز حاوی نکات انتقادی است و مضامینی نظیر «نقد علمای بی‌عمل» (حکایت‌های ۶، ۸، ۱۳، ۲۰، ۲۴)، «مذمت امساک» (حکایت ۱۲)، «نقد ترس و زبونی سپاهیان قاجار» (حکایت ۱۸) و «مذمت رشوه‌گرفتن» (حکایت ۱۹) را در خود دارد. به‌گونه‌ای که کتاب شکرستان، یکی از کتاب‌هایی است که تصویری هرچند مختصر از وضعیت اجتماعی ایران در دوره ناصرالدین شاه به دست می‌دهد.

بهار درباره رعایت نزاکت و ادب در گلستان سعدی می‌گوید: «گلستان هرچند در شیرین کاری و شورانگیزی و لطیفه گفتن و خواننده را از ملالت و کسالت بیرون بردن، جاحظوار تعمّدی دارد، خاصه در باب عشق و جوانی که گاهی تند رفته است، اما باز با برداشتی که او کرده است رعایت ادب و نزاکت را به حد اعلی رسانیده» (بهار، ۱۳۸۹: ۱۳۴)؛ اما علی‌محمد منشی در شکرستان گاهی به ترک ادب مرسوم دست زده است.

مدح اشراف قاجار

شکرستان چنانکه گفته شد در اصل جهت تفریح خاطر اعتضادالدوله محمدمه‌دی خان نوشته شده است. حکیم از وی با القابی نظیر «خواجّه بزرگ و خداوندگار سترگ، سلاله خواقین عظام و نقاوه خوانین بااحتشام» یاد می‌کند و مؤخره را نیز به نام وی پرداخته است و در حکایت شماره ۲۵ از نسخه چاپ‌شده این کتاب نیز، از وی به عدالت یاد می‌کند. ناصرالدین شاه را «بهرام عصر قان دهر جمشید جوان خورشید شهبان» می‌نامد. (منشی، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۶) و چنانکه گفته شد حکایاتی در مدح امین‌الدوله، مؤیدالدوله و امین‌السلطان در شکرستان آورده است.

نتیجه

در این مقاله روشن شد که علی‌محمد حکیم، نویسنده شکرستان، برخلاف آنچه بعضی از محققان حدس زده‌اند، ارتباطی با «علی‌محمد صفا» و «علی‌محمد حکیم اصفهانی» ندارد، بلکه وی «علی‌محمد پسر میرزا محمد» متولی آرامگاه فتحعلی شاه بوده است و جدّ وی «علی‌محمد قرقی خوانساری»، حذف نیز در زمره شاعران و درباریان فتحعلی شاه بوده است و خود وی به عنوان منشی اول در حکومت قم، در عصر ناصرالدین شاه روزگار می‌گذرانده است و روابط

دوستانه‌ای با برخی رجل مهم آن عصر نظیر «علی‌خان امین‌الدوله» و «مویدالدوله» داشته‌است و تا سال ۱۳۱۷ ه.ق. در قید حیات بوده‌است. با بررسی متن کتاب دریافتیم که علی محمد حکیم، شکرستان خود را به مجموعه‌ای از حکایات نقل شده در کتاب‌های پیشینیان بدل نکرده است، بلکه به پیروی از گلستان سعدی که در ژانر «مقامات» می‌گنجد، قهرمانی ثابت برای اکثر حکایات خود انتخاب کرده است، قهرمانی که شخص علی محمد حکیم است، همانگونه که قهرمان بسیاری از حکایات گلستان، شخص سعدی است. با اینکه قصد داشته است شکرستان را در چهار جزو تألیف کند، هرگز موفق به این کار نشده است بلکه در سال‌های مختلف، چند تحریر از این کتاب به وجود آورده است که از نظر تعداد حکایات و نام شخصیت‌ها تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. حکیم سرگرمی «اعتضادالدوله» را بهانه‌ای برای تألیف کتاب شکرستان قرار داده است که مصداقی از «انشایی ادبی» است و از «سجع و قرینه‌سازی»، «رعایت آهنگ کلمات» و «به‌کارگیری عباراتی نیمه‌موزون»، «به‌کارگیری لغات عربی» و «برخی تقلیدها از ویژگی‌های زبانی گلستان سعدی» در هرچه بیشتر ادبی کردن نثر خود کوشیده است. با بررسی وجوه زبانی، ادبی و فکری اثر او، شکرستان، بسیاری از خصایص سبکی این کتاب مشخص شد و می‌توان گفت که علی محمد حکیم در درک سبک گلستان سعدی و تقلید از آن موفق بوده است.

منابع و مأخذ

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۸) **فرهنگ معاصر عربی-فارسی**، تهران، نشر نی، چاپ یازدهم.
- ابویی مهریزی، نازیلا (۱۳۹۱) «انیس العارفین ملا میر قاری گیلانی و نسخه‌های آن»، *آینه میراث*، شماره ۵۰، صص ۵-۲۶.
- افضل‌الملک شیرازی (۱۳۹۶ ق) **تاریخ و جغرافیای قم**، به کوشش حسین مدرّسی طباطبایی، انتشارات وحید.
- بامداد، مهدی (۱۳۴۷) **شرح حال رجال نامی ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری**: جلد سوم، تهران، زوار.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۹) **سبک‌شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی**، تهران، امیرکبیر، چاپ دهم.
- بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۸۵) **تاریخ بیهقی**، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، مهتاب، چاپ دهم.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۱) **بهارستان**، به تصحیح اسماعیل حاکمی، تهران، اطلاعات، چاپ دوم.
- سعدی، صلح بن عبدالله (۱۳۸۷) **گلستان**، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، چاپ هشتم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶) **نگاهی تازه به بدیع**، تهران، میترا، چاپ سوم.
- ظفری، ولی‌الله (۱۳۷۲) «شکرستان و پریشان تقلیدهایی از گلستان»، *نامواره دکتر محمود افشار*، جلد هفتم، صص ۳۹۲۲-۳۹۳۵.

- فیض قمی، علی‌اکبر (۱۳۸۳) «خاندان فیض قمی»، تصحیح میرمحمد موسوی، مجله میراث شهاب، شماره ۳۵، بهار و تابستان، صص ۱۵۷-۱۷۶.
- _____ (۱۳۹۳) **تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم**، تصحیح علیرضا فولادی، قم، بنیاد قم‌پژوهی.
- گرنی، جان و منصور صفت‌گل (۱۳۹۲) **قم در قحطی بزرگ**، قم، مرکز قم‌شناسی.
- لغتنامه دهخدا.
- متینی، جلال (۱۳۶۴) «مقامه‌ای منظوم به زبان فارسی»، ایران‌نامه، شماره ۱۲، تابستان، صص ۷۰۵-۷۳۲.
- منزوی، احمد (۱۳۴۹) **فهرست نسخه‌های خطی فارسی**، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.
- _____ (۱۳۵۲) «تتبع در گلستان سعدی ۴»، مجله وحید، شماره ۱۱۶، مرداد، صص ۵۵۲-۵۵۶.
- منشی، علی‌محمد متخلص به حکیم (۱۳۹۲) **شکرستان بر اساس هفت نسخه خطی**، تصحیح احمد بهنامی، قم، مجمع ذخایر اسلامی.
- مهدی‌پور، محمد (۱۳۷۷) «سایه گلستان در سنبلستان (معرفی کتاب سنبلستان شیخ شجاع گورانی)»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۶۹، بهار، صص ۱۲۹-۱۴۳.

Abstract

The Significance of Ali Mohammad Monshi's Stylistic Imitation from Saadi's *Golestan* in Monshi's Life and Works

Ahmad Behnami*

Lots of literary compositions have been influenced by Saadi's *Golestan*. Many writers have no reservations about directly imitating some stylistic aspects of *Golestan* in their own literary works. In *Shekarestan*, Ali Mohammad Monshi (with the literary pseudonym "Hakim) proves to be such a writer. Nothing of substance is known about his personal life. Through surveying previous scholarly studies and some pertinent sources survived from the Qajar Era, the present article gives a clearer picture of Monshi's personal life. Furthermore, it focuses on the imitative significance of his literary style and content and identifies the instances where the stylistic aspects of Saadi's *Golestan* are clearly imitated in Monshi's poetry.

Keywords: Shekarestan, Ali Mohammad Monshi, Golestan, Ali Akbar Feyz, Saadi

* assistant professor. Department of Lexicography. Academy of Persian Language and Literature. Tehran. Iran. ahmadbehnami@yahoo.com